

نقش رموز عرفانی در پایداری مجموعه آرامگاه شاه نعمت الله ولی

وحیده رحیمی مهر^{*1}

1- کارشناس ارشد معماری، (yekta.rahimi@yahoo.com)

چکیده

معمولاً آن چه در بررسی اثری معمارانه مورد توجه است بحث پیرامون جنبه های مادی و فضای کالبدی بناست، حال آن که می توان با نگاهی معنا گرایانه در جستجوی ریشه شکل گیری پیوند کالبد و معنا و کیفیت این ارتباط در دنیای عرفان نیز بود. مقاله حاضر در جستجوی یافتن نشانه ها و نموده های بارز عرفان در معماری بنای شاه نعمت الله است. بنایی که مریدان و درویشان، این مکان را برای عبادت خویش انتخاب کرده اند و در پی پاسخ به این سوال که رموز عرفانی چگونه در بنا ظاهر شده و تاثیر خود را بر آن گذاشته اند. تحقیق در حوزه تحقیقات کیفی می باشد که واقعیات را درونی می داند و با روش استقرایی عوامل موثر بر پدیده را تبیین می کند. در اصل با تفسیری فراتاریخی رو به رو هستیم. تحقیق با بیان تعاریف لغوی عرفان و معماری و بررسی عرفان و هنر از دیدگاه فلسفی آغاز می گردد و در پی پاسخ به چگونگی رابطه هنر و عرفان، رابطه هنر و معماری را بیان می دارد و با بازگشتی به گذشته می کوشد تا نشان دهد، دین را با هنر سازگار است. در نهایت تحقیق براساس تفکری اعتقادی می کوشد تا عناصر شاخص به کار رفته در بنا مانند آب، درختان، رنگ، نقوش و..... را به ترتیب قرارگیری فضاها توصیف و نحوه ارتباط این عناصر را با رموز عرفانی بیان کند. مقاله حاضر سعی دارد معماران معاصر را با عناصر و مفاهیم تجربی آشنا کند و نیز به عناصر و آرایه هایی معماری سنتی یادآوری داشته باشد.

واژه های کلیدی: عرفان، آرامگاه شاه نعمت الله ولی، معماری سنتی، راز و رمز، بیان نمادین.

1- مقدمه

هر جا که هنر سخن براند تمام وجوه و مصنوعات و هنر آن مکان با اصول روحانی آن سنت مرتبط است. هنر نقش و معماری در ترکیب مجرد و کنایه ای خود می تواند بازگو کننده امیال فرو کوفته و راز های مگو باشد و اینگونه است که آرزو های مرده در وجود نقش ها و طرح ها به امید های زنده پیوند می خورند. معماری از کهن ترین هنر هایی محسوب می گردد که با انسان، افکار، عقاید و ادیان او همراه بوده است.

بیان نمادین در معماری به معنای ایجاد یک زمینه ادراکی برای انتقال برخی از مفاهیم خاص از طریق معماری به عنوان یک رسانه است. ارزش رسانه ای در زمانی که معماری به عرصه ی اجتماعی پای می گذارد و ساختمان در بعدی عام تر مطرح می شود؛ فزونی می یابد. [1]

رمز پردازی از اصول بنیادین هنر مقدس است و در این میان تزینات ظریف همچون اسلیمی ها ترکیب بندی تصاویر نیست؛ بلکه ((عینیت بخشیدن به یک امر فکروانه است و در ایم مورد بازتاب تصورات مشخصی نخواهد بود بلکه از حیث کیفی با عطف نظر به الحاق به یک تعامل معنوی که مرکز ثقل آن غیر قابل رویت است، به تغییر و تبدیل محیط می پردازد. [2]

حضور بارز آرایه ها و عناصر تزئینی چون خط نگاره ها، نقوش اسلیمی و طرح های هندسی ماهیت فرعی هنر اسلامی را، تشکیل می دهند. این هنر، پیام نهفته در وحی اسلامی را به اشکال و صوری عرضه می کند که منعکس کننده ی اصل و منشا